

نوشته حاضر از سایت «تریبونت» [www.tribun.com](http://www.tribun.com) برداشته شده است.

## بررسی ریشه های تاریخی جنگ چین

ابراهیم محمدی

### مقدمه

هر از چند گاهی رسانه های گروهی جهان اخباری راجع به جنگ استقلال طلبانه و آزادیخواه چچنها علیه نیروهای روسی را منتشر می کنند. تصویری که این رسانه ها از مبارزان چچن به دست می دهند عمدتاً شامل: **بنیادگرایان اسلامی**، **وابسته گان به گروه های القاعده**، **وهایان و یا جنگجویانی وحشی** که برای رسیدن به هدف ازهر وسیله ای استفاده می کنند، می باشد.

نبرد آزادیخواه و استقلال طلبانه مردم چچن تا به حال باعث هزاران قربانی و صدها هزار آواره گردیده که هر روزه هم بر تعداد آن اضافه میگردد.

وحشیگری و خشونت که نیروهای روسی در مقابل مردم چچن بکار برده و می برند، سبب آن شده تا از این جمهوری کوچک جز سرزمینی سوخته و ویران چیزی باقی نماند. افکارعمومی دنیا که در آغاز حساسیتی نسبی به آن نشان میداد، بعد از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر در نیویورک و انتشار اخباری راجع به ارتباط چچنها با گروههای القاعده و متعاقب آن نزدیکی بیشتر آمریکا و روسیه تحت عنوان مبارزه بر علیه تروریسم جهانی دیگر اهمیت چندانی به آن نشان نمیدهد. این بی تفاوتی دولتهای جهان و در راس آن دولتهای غربی دست مسکو را برای هر اقدام جنایتکارانه علیه مردم چچن و نابودی نسل آن باز گذاشته است.

استقلال طلبان چچن که تا به حال متحمل هزاران قربانی گردیده اند، به خاطر این قربانیان هم که شده، به هیچ عنوانی حاضر به تسلیم شدن در مقابل روسها نیستند. به این ترتیب جنگی که از سال ۱۹۹۴ آغاز گردیده، با خشونتی غیرقابل توصیف پیش میرود. تا به حال هرگونه پیشنهاد صلح از جانب **مسخدوف** رییس جمهور انتخابی چچن با بی اعتنائی کامل مقامات روسی مواجه گردیده است. نتیجه این جنگ هر چه که باشد، بازنده اصلی در نهایت روسها خواهند بود. تخمهای نفرتی که نظامیان روسی در دل مردم قفقاز کاشته و میکارند، جوانه زده و هر آن که فرصتی بدست بیاورد، استعمارگران روسی را به مصاف خواهدخواند. درنوشته زیر سعی شده ریشه های تاریخی این جنگ و همچنین برخورد قدرتهای جهانی و منطقه ای را نسبت به آن بررسی نماییم. یادآوری این نقطه را ضروری میدانیم که تاریخ چچن ارتباطی تنگاتنگ با تاریخ ملل دیگر قفقاز دارد.

### موقعیت جغرافیایی

سرزمین قفقاز بین دریای خزر و دریای سیاه از یک طرف، آناتولی و فلات اروپای شرقی از طرف دیگر قرار گرفته است. این سرزمین که مساحتی حدود ۴۴۰۰۰۰ کیلومترمربع را شامل میشود، به دو قسمت قفقاز شمالی و ماوراء قفقاز تقسیم میگردد. این سرزمین متجاوز از ۴۰ قوم و ملت را در خود جای داده که به زبانهای مختلفی تکلم میکنند. زبانهای

قفقاز را میتوان به سه گروه هندواروپایی (روسی، اوستیایی)، آلتایی (ترکی) و زبانهای قفقازی (چچن) تقسیم کرد. در طول تاریخ اقوام مختلفی مانند هونها، عربها، ترکها، تاتارها و قزاقهای روسی اثراتی از خود را در این سرزمین بر جای گذاشته اند. مهاجرت و سکونت این اقوام در جوار ساکنان قدیمی آن باعث پیچیدگی هر چه بیشتر اوضاع سیاسی و اجتماعی و روابط این اقوام با یکدیگر گردیده است.

علاوه بر دو عامل جغرافیایی و قومی عامل دیگری نیز سبب بحران کنونی در قفقاز گردیده، و آن سیاست شوروی سابق نسبت به ملل مختلف آن بوده است. تشکیل جمهوریها و مناطق خود مختار هیچگاه بر اساس ساخت قومی و فرهنگی این مناطق نبوده، بلکه صرفاً خواسته ها و سیاستهای دولت مرکزی را در نظر داشته است. به عنوان مثال: آبخازها و اهالی اوستیای جنوبی خواهان جدایی از گرجستان می باشند. اختلاف اینقوشها و اوستیای شمالی بر سر منطقه prigorodny که بعد از تبعید اینقوشها به آسیای مرکزی این قسمت به اوستیای شمالی واگذار گردید. جنگ چچن ها به خاطر استقلال از فدراسیون روسیه، اختلاف ارمنستان و آذربایجان بر سر قره باغ نیز از آن جمله می باشند.

## ویژه گیهای جامعه چچن و تاریخ آن

جمهوری خود مختار چچن که در سال ۱۹۹۱ استقلال خود را از فدراسیون روسیه اعلام نمود، از معدود مناطق قفقاز شمالی است که در آن ساکنان اصلی نسبت به مهاجرین در اکثریت میباشند. از ۱۲۰۰۰۰۰ نفر ساکن این جمهوری، ۷۵٪ آن را چچن ها تشکیل میدهند از تعداد روسها که قبل از جنگ ۲۰٪ بوده، در این میان بشدت کاسته شده است. مساحت این جمهوری حدود ۱۶۰۰۰ کیلومترمربع و اکثریت ساکنان آن سنی حنفی میباشند. طریقت نقشبندی از اواخر قرن هیجده میلادی گسترش زیادی در این جمهوری یافته است.

با وجود آنکه حکومت شوروی مدت بیش از هفتاد سال بر علیه اعتقادات مذهبی مبارزه بیامانی را ادامه داد، ولی هیچگاه نتوانست این اعتقادات را به کلی از بین ببرد. اسلام و طریقت نقشبندی توانست حتی در تبعید اجباری چچن ها به آسیای مرکزی مخفیانه به حیات خود ادامه دهد. بعد از فروپاشی سیستم شوروی بود که اسلام زمینه رشد دوباره ای در کل قفقاز پیدا کرده و توانست تاثیر خود را بر جامعه و سیاست این خطه بگذارد. شریعت اسلامی، عادات قومی و ساخت قبیله ای عوامل اساسی هستند که هویت چچنی بر اساس آن شکل گرفته است. اعتقاد به آداب و سنن تاریخی و مذهبی و رابطه ی تنگ آن با جنبش استقلال طلبانه بستر مناسبی برای مقاومت چند صدساله در مقابل استعمار روسیه بوجود آورده است.

## تاریخ چچن ها

جنبش استقلال خواهی کنونی چچن ها ریشه در تاریخی چند صدساله دارد. اوایل قرون وسطی به ترتیب آلانها، مغولها، و تیموریها بر چچن ها حکومت داشته اند. بین قرون ده تا سیزده مسیحیت بوسیله گرجیها در این خطه رواج پیدا می کند. نفوذ اسلام در این سرزمین از قرن شانزدهم میلادی و از طریق داغستان بوده است.

اولین برخورد ساکنان قفقاز و روسها به سال ۱۵۵۹ میلادی بر میگردد. در این سال ایوان مخوف قلعه معروف Tarki را برای قزاقهای روسی بنا کرده و نیروهای نظامی را در این منطقه مستقر می کند. پیش از آن وی توانسته بود بین سالهای

۱۵۵۲ و ۱۵۵۶ **خانات کازان** و **آستاراخان** را به تصرف خود در بیاورد. در سال ۱۷۸۳ **خانات کریمه** که بمانند سدی در مقابل نفوذ نیروهای روسی بطرف قفقاز عمل مینمود، توسط نیروهای کاترین دوم تصرف میگردد. شکست خانات کریمه که تحت الحمایه امپراطوری عثمانی بودند، موجی از مهاجرت بین تاتارها و چرکسها را که بر علیه روسها جنگیده بودند، بر می انگیزد. اولین جنگ بین روسها و قفقازیهها به رهبری **منصور اوشورما** در سال ۱۷۸۵ به وقوع می پیوندد و طی آن قفقازیهها موفق میشوند قلعه های **Mosdok - kisljar** را که روسها برای فتح قفقاز ایجاد کرده بودند تصرف نمایند.

**شیخ منصور** در سال ۱۷۲۲ در قریه آلبا از توابع داغستان بدنیا آمده و در جوانی به شغل چوپانی اشتغال داشته است. در زمان وی بود که اسلام بتدریج از طریق داغستان در نواحی دیگر قفقاز نفوذ پیدا میکند. با بدست گرفتن رهبری نقشبندیه وی موفق به بسیج مردم قفقاز در مقابل استعمار روسیه میشود. طریقت نقشبندی در قفقاز اوایل هیچگونه روح جنگجویانه ای نداشت، اما با هجوم روز افزون نیروهای روسی و نارضایی عمیق قفقازیهها، شیخ منصور چاره ای جز بسیج مریدان خود و جنگ بر علیه روسها را نداشت. جنبش شیخ منصور در سال ۱۷۹۴ بوسیله روسها با شکست روبرو شده ، خود وی نیز دستگیر و اعدام میگردد، اما خاطره وی برای همیشه در دل مردم قفقاز باقی میماند. مقاومت مردم قفقاز بعد از مرگ منصور به هیچوجه خاموش نمیشود. در سال ۱۸۰۱ داغستانیهها و چچن ها برهبری **بایولات** به نبرد ضد استعماری خود ادامه میدهند.

### جنبش شیخ شامیل

شامیل سال ۱۷۹۷ در قریه **Gimri** داغستان در یک خانواده مرفه آوار بدنیا آمد. اسلام و طریقت نقشبندی را در محضر شیخ جمال الدین از رهبران این طریقه یاد میگیرد. بعد از یادگیری فنون نظامی، وی به همراه قاضی ملا دوست دوران کودکی خود نبرد پارتیزانی را علیه نیروهای روسی سازمان میدهد. در این نبردها هسته اصلی نیروهای شامیل را مبارزان چچن تشکیل میداده اند. مقاومت مردم قفقاز برهبری شیخ شامیل حدود سی سال ادامه پیدا میکند. مقاومتی که نشیب و فرازهای زیادی را از سر میگذراند. سال ۱۸۳۲ روسها قریه **Gimri** زادگاه شامیل را تصرف میکنند. در جنگی که پیش میاید قاضی ملا کشته میشود. خود شامیل که بسختی زخمی شده بود، موفق به فرار میگردد. بعد از مرگ قاضی ملا ، شامیل رهبری مریدان نقشبندی را بعهده گرفته و در مدت کوتاهی موفق میشود نیروهای قفقازی را دوباره سازماندهی نماید. بعد از آن وی به سفر حج رفته و گویا در مکه **عبدالقادر** از رهبران جنبش الجزایر را ملاقات میکند. این دیدار تاثیر زیادی در روحیه شامیل داشته و طی آن وی با تجربیات استقلال طلبان الجزایر آشنا میشود. سال ۱۸۳۹ روسها یکبار دیگر موفق به فتح **Gimri** شده و قتل عامی را در آنجا راه می اندازند. در این حادثه پسر بزرگ شامیل بنام جمال الدین به اسارت روسها در میاید. سالهای ۱۸۴۲ تا ۱۸۵۴ را میتوان سالهای اوج گیری جنبش مقاومت مردم قفقاز نامید. طی این سالها نیروهای شامیل با نبردهای پیاپی، ضربات سختی را بر نیروهای روسی وارد میاورند.

علاوه بر جنگ علیه روسها، در جبهه داخلی هم میبایستی شامیل بر علیه خیانتکاران اقدام مینمود. نمونه این خیانتها تسلیم **حاجی مراد** از یاران شامیل به نیروهای روسی میباشد. کتاب حاجی مراد نوشته تولستوی داستان این خیانت را بازگو میکند.

جنبش شیخ شاملیل سرانجام در تابستان ۱۸۵۹ با تسلیم وی به صورت موقت خاموش می‌گردد. عمده ترین دلایلی که باعث شکست این جنبش گردیده اند را میتوان فرسودگی مردم قفقاز بعد از سی سال جنگ و وضع اسفبار اقتصادی و اجتماعی آن دیار دانست. عامل دیگر اینکه بعد از مرگ تزار نیکلای اول که مدتی بیش از سی سال امپراطوری روسیه را در دست داشته و عمده جنگ های شاملیل هم در زمان حکومت وی اتفاق می افتاد، تزار الکساندر اول جانشین وی می‌گردد. وی با کمک دوست خود ژنرال باریاتینسکی که فرماندهی نیروهای روسی را در قفقاز داشته، تاکتیک جدیدی را در مقابله با نیروهای شاملیل پیش می‌گیرد، تاکتیک که از یک طرف با دلجویی و بخشیدن هدایا بین سران قبایل قفقاز حمایت آنها را جلب نموده از طرف دیگر با شدت بخشیدن به جنگ، نیروهای مقاومت را وادار به تسلیم نماید. تاکتیک جدید روسها چنانکه شرح آن گذشت سرانجام نتیجه داده و شکافی جدی را در صفوف نیروهای طرفدار شیخ شاملیل سبب گردید. شیخ شاملیل بعد از تسلیم، بهمراه چهل تن از اعضای خانواده اش و با احترام تمام به شهر سنت پترزبورگ انتقال داده میشود. در سال ۱۸۷۰ وی اجازه مییابد از طریق استانبول به سفر حج برود که سرانجام در آنجا فوت میکند. بعد از مرگ وی، اعضای خانواده اش در ترکیه اقامت می‌گزینند.

شکست این جنبش، بار دیگر موجی از فرار و مهاجرت را بین اهالی قفقاز بوجود می‌آورد. هزاران تن از اهالی داغستان، چچن، چرکس روانه ترکیه و بالکان می‌گردند. یاد و خاطره شاملیل تا ابد بین مردم قفقاز بعنوان قهرمان ملی زنده خواهد ماند. بی جهت نیست که این مردم مبارزه فعلی خود را ادامه مبارزه شاملیل و یاران وی میدانند. در شخصیت وی میتوان غیرت و جوانمردی را با بیرحمی و قساوت یکجا دید. در شوروی سابق و تا قبل از جنگ جهانی دوم وی سمبل مقاومت روستاییان بر علیه حکومت تزارها بود. با تبعید ملل قفقاز به آسیای مرکزی، وی نیز سمبل ارتجاع مذهبی معرفی می‌گردد.

با مهاجرت بی وقفه قزاقهای روسی بطرف قفقاز و اسکان آنها در جنوب رودخانه Terek، مقاومت مردم این منطقه نیز شدت مییابد. اوایل ۱۸۶۰ قیام مردمی به رهبری **ملا حاجی** بوسیله ژنرال Melikov با خشونت هر چه تمامتر در هم کوبیده میشود. قبایلی که در این قیام شرکت کرده بودند مانند قبیله Kara Bulak بصورت دسته جمعی بطرف امپراطوری عثمانی کوچ اجباری داده میشوند. بخشی از این مردم موفق میشوند از طریق راههای کوهستانی دوباره به چچنستان برگردند. از معروفترین آنها میتوان به **سلیم خان** اشاره کرد که در اطراف Wedeno ساکن شده و نیروهای روسی را بی امان مورد حمله قرار میدهد. تاکنون هم Wedeno شهرت خود را که تسخیرناپذیری آن میباشد، بین اهالی چچن حفظ کرده است.

تا آغاز انقلاب اکتبر وضع قفقاز بصورتی بود که شرح آن گذشت، با وقوع انقلاب در روسیه و متعاقب آن جنگ داخلی بین کمونیستها و نیروهای طرفدار تزار برهبری ژنرالهای قزاق Denikin- Koltschak، مردم قفقاز نهایتاً جانب کمونیستها را می‌گیرند. انگیزه ملل قفقاز در این انتخاب نه در اعتقاد آنها به ایده و آرمان لنین، بلکه بیشتر باین علت بود که کمونیستها استقلال و آزادی این ملل را وعده میدادند. با پیروزی کمونیستها و تثبیت تدریجی قدرتش، بزودی معلوم می‌گردد که برداشت طرفداران لنین از استقلال و آزادی خلقها غیر از آن چیزی بوده که قفقازیهها به آن دل بسته بودند.

ژانویه ۱۹۲۱ طرح تشکیل جمهوری خودمختار خلقهای کوهستانی شامل چچن، اینقوش، اوستیای شمالی، قبادین، بالکار، قاراجای، چرکس به اجرا در می‌آید. این طرح بخاطر عدم پشتیبانی مردم محلی از آن سرانجام شکست خورده و

بجای آن شش منطقه خودمختار تشکیل میگردد. یکی از این مناطق جمهوری خودمختار چچن و اینقوش میباشد که در سال ۱۹۳۶ عنوان جمهوری شوروی خودمختار را کسب میکند.

با اجرای طرح دولتی کردن تولید و مصادره زمینهای دهقانان مقاومت مردم قفقاز هم شدت پیدا میکند. ایجاد مراکز تولیدی و صنعتی در جمهوریهای قفقاز موج جدیدی از مهاجرت کارگران و متخصصان را به طرف این مناطق به راه میاندازد. فرصتهای شغلی و خانه های تازه ساخته شده عمدتاً در اختیار مهاجران قرار میگیرند. حسادت و عدم اعتماد بین مردم محلی و مهاجران رشد پیدا میکند. تصفیه های دوران استالین هم که طی آن بسیاری از رهبران و روشنفکران چچن از بین برده میشوند، باعث نارضایتی و نفرت بیشتر مردم از کمونیستها میگردد.

پیروزی شورویها در جنگ جهانی دوم عواقب سختی را برای ملل قفقاز بوجود میآورد. در ماه مارس سال ۱۹۴۴ بدستور استالین و بجرم همکاری با آلمانها، حدود پانصد هزار چچنی و نود هزار اینگوشی مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده، در آسیای مرکزی اسکان داده میشوند. جمهوری خودمختار چچن و اینقوش منحل گردیده و اراضی آن تقسیم میگردد. تبعید اجباری تنها شامل حال چچن ها و اینقوشها نشده، بلکه خلقهای دیگری هم مانند قاراجاییر، بالکار، کالموک سرنوشت مشابهی پیدا میکنند.

علت این تبعید اجباری نه بخاطر همکاری با آلمانها، بلکه به خاطر شورشی بوده که در اوایل ۱۹۴۰ برهبری **حسن ایسراعیلف** برای آزادی قفقاز آغاز شده بود. شورشیان موفق به محاصره و تسخیر چندین شهر میگرددند. ۱۹۴۲ این جنبش بوسیله نیروهای شوروی در هم کوبیده میشود.

تبعید اجباری ملل قفقاز که طی آن هزاران تن از شدت سرما و گرسنگی جان خود را ازدست میدهند، احساس داشتن یک سرنوشت مشترک را بین این مردم بوجود آورده، عاملی برای آگاهی و بازیافت هویت ملی در میان این ملل گشته و نهایتاً هم بستر مناسبی را برای مبارزات فعلی بوجود آورده است.

نکیتا خروشچف که بعد از مرگ استالین به دبیرکلی حزب کمونیست شوروی انتخاب شده بود، در کنگره بیستم این حزب که برای بررسی جنایتهای استالین تشکیل گردیده بود، سرانجام از ملل قفقاز اعاده حیثیت میکند. مردم چچن و اینقوش بعد از بازگشت از تبعید، واقعیت تلخ جدیدی را باید تجربه میکردند، قسمت عمده ای از سرزمین آنها بین مهاجران روسی و دیگر جمهوریها تقسیم گردیده بود که نتیجه این امر نیز برخورد مداوم و خشونت بار بین چچن ها و مهاجران بود. اختلاف اینقوشها و اوستیای شمالی هم بر سر منطقه Prigorodni که بعد از تبعید اینقوشها به اوستیای شمالی واگذار شده بود بشدت اوج میگردد.

فروپاشی شوروی و شروع بحران از جمله عواملی که سبب فروپاشی شوروی سابق گردید، درخواست ملل آن برای کسب استقلال و آزادی بوده، فضای باز سیاسی که در زمان گارباچف (۱۹۸۵-۱۹۹۱) دبیر اول حزب کمونیست شوروی ایجاد گردیده بود زمینه مناسبی را برای این ملل پدید میآورد تا با انجام همه پرسوی و یا برگزاری انتخابات (طی سالهای ۱۹۸۸-۱۹۹۰) استقلال خود را اعلام کنند. دولت مرکزی هم که خود را در مقابل عمل انجام شده ای میدید، سرانجام در تاریخ بیست و یکم دسامبر ۱۹۹۱ اعلام به انحلال رسمی اتحاد جماهیر شوروی مینماید. به تبعیت

از جمهوریهای دیگر، رهبران چچن نیز در نوامبر سال ۱۹۹۱ استقلال این جمهوری را اعلام داشته و ۱۹۹۲ قانون اساسی جدیدی را بمورد اجرا می گذارند.

اوایل سالهای ۱۹۹۰ همانند سایر جمهوریهای سابق شوروی در چچنستان هم نیروها و احزاب سیاسی بتدریج شکل میگیرند. مهمترین این جریانات سیاسی عبارت بودند از حزب دموکرات، حزب **وایناخ** ( نامی که چچن ها به خود میدهند )، جبهه خلق، حزب راه اسلام و از همه با نفوذتر **کنگره ملی** برهبری ژنرال نیروی هوایی **جوهر دودایف**. رهبری شصت نفره کنگره ملی را بیشتر سران قبایل چچن بعهده داشتند، که این امر سبب نفوذ گسترده سیاسی بین اقشار مختلف جامعه چچن میگردد. اولین حرکت اعتراضی این احزاب و در رأس آن کنگره ملی، سازماندهی تظاهراتی بود که در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۱ در شهر **گروزنی** بر علیه دولت محلی که تحت نفوذ کمونیست های محلی بوده بر پا میشود. این دولت در مناقشات که بین گارباچف و کودتاگران صورت گرفته بود موضع طرفداری از کودتاگران را انتخاب کرده بود.

در تاریخ ۲۷ اکتبر ۱۹۹۱ دولت محلی مجبور به برگزاری انتخابات زودرس میشود که در نتیجه آن دودایف با کسب ۸۵٪ آرا به ریاست جمهوری چچن انتخاب میگردد. این انتخابات از طرف مسکو به رسمیت شناخته نشده و با دسیسه سازی سعی در مقابله با آن میکند. متعاقب آن دودایف به بسیج مردم پرداخته و نهایتاً در تاریخ دوم نوامبر ۱۹۹۱ استقلال چچنستان را اعلام میکند.

چند روز بعد از اعلام استقلال چچنستان، بوریس یلتسین رییس جمهور روسیه با اعلام حکومت نظامی در چچنستان حدود دو هزار تن از نیروهای نظامی روسی را برای در هم کوبیدن جنبش مردم چچن و دستگیری دودایف به گروزنی اعزام میدارد. اما مردم قفقاز با انجام تظاهرات و سد کردن راه این نظامیان، آنها را وادار به بازگشت می نمایند. کنفدراسیون خلقهای قفقاز نیز به نمایندگی از شانزده خلق قفقاز حمایت خود را از تلاشهای استقلال طلبانه چچن ها اعلام میکند.

متعاقب این شکست، روسها اینبار سیاست محاصره اقتصادی جمهوری چچن را به اجرا میگذارند. اعمال این سیاست موجب شدت گیری بحران اقتصادی شده و وضع تحمل ناپذیری را در این جمهوری سبب میگردد. شور و شوق چچن ها برای استقلال کشورشان با توجه به مشکلات عظیم اقتصادی و فقرناشی از آن نمیتوانست مدت زیادی دوام بیاورد. محاصره اقتصادی از جانب روسها به قطع تولید نفت در این جمهوری انجامیده و اضافه بر آن حسابهای بانکی آن نیز در مسکو بلوکه شده بود. تحت فشار روزافزون اقتصادی، سرانجام دودایف با الحاق چچنستان در فدراسیون روسیه بشرط آنکه این جمهوری اختیارات ویژه ای داشته باشد موافقت میکند. ولی این پیشنهاد دودایف مورد قبول یلچین قرار نگرفته و متعاقب آن تحریکات مخالفان داخلی هم که از طرف روسها حمایت میشوند علیه دولت دودایف افزایش میابد. شهر **Terek** در این میان به مرکزی برای مخالفان دودایف تبدیل میگردد.

اولین تلاش کودتا نیز از همین شهر و با حمایت روسها در تاریخ ۳۱ مارس ۱۹۹۲ صورت میگیرد. ولی نیروهای طرفدار دودایف موفق به دفع این کودتا شده و نیروهای روسی هم که برای پشتیبانی کودتاگرایان آمده بودند مجبور به بازگشت میشوند.

مهمترین شخصیت‌های مخالف دودایف در این زمان عبارتند از Ruslan Labasanov Beslan Gantemirov و Ruslan Chasbulatov. در تابستان ۱۹۹۴ مخالفان دودایف که از خلع وی ناامید شده بودند، شهر گروزنی را مورد حمله مسلحانه قرار میدهند. نظامیان روسی هم که پشت مرزهای چچن جمع شده بودند به حال آماده باش در می‌ایند. متعاقب آن دودایف هم فرمان بسیج عمومی چچن‌ها را صادر می‌کند. حمله نظامی مخالفان برای تصرف گروزنی که از طرف نیروی هوایی روسیه حمایت میشد سرانجام شکست خورده و نیروهای چچن موفق به دستگیری تعدادی سرباز روس که در صفوف مخالفان می‌جنگیدند میشوند. با شکست قطعی مخالفان دودایف، مسکو بر سر این دو راهی قرار می‌گیرد که یا استقلال چچنستان را برسمیت شناخته و نیروهای خود را از منطقه خارج نماید و یا آنکه بصورت علنی وارد جنگ گردد. بطوری که میدانیم سردمداران روسی راه دوم را انتخاب نموده و در تاریخ ۱۱ دسامبر سال ۱۹۹۴ جمهوری چچن مورد هجوم ابرقدرت روس قرار می‌گیرد. باین ترتیب جنگ اول روسها بر علیه مردم چچن شروع میشود.

### دلایل یورش نظامی روسها

۱- بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و استقلال جمهوریهای سابق، هدف استراتژیکی روسها تشکیل اتحادیه ای مشترک از این کشورها بوده است. تأسیس این اتحادیه میتواند نفوذ سیاسی و اقتصادی روسها را دوباره تأمین نموده و جنبش استقلال طلبانه این ملتها را در جهت منافع مسکو کانالیزه نماید. در چنین شرایطی استقلال چچنستان میتواند مانعی در مقابل اجرای این سیاست گشته و منجر به فروپاشی فدراسیون روسیه گردد. سرکوب خشونت بار جنبش استقلال طلبانه چچن‌ها باید درسی بشود برای دیگر خلق‌هایی که رویای رویارویی با روسها را در سر می‌پرورانند.

۲- وجود ذخایر نفت در چچنستان، قرار گرفتن در مسیر لوله‌هایی که نفت دریای خزر را از طریق روسیه به بازارهای جهانی می‌رسانند. همچنین عبور راه آهنی که مسکو را با جمهوریهای آذربایجان - ارمنستان و گرجستان ارتباط میدهد، از اراضی آن، اهمیت اقتصادی و استراتژیکی این جمهوری را برای سردمداران روسیه آشکار می‌سازد.

۳- جنگ بر علیه چچن‌ها بمانند ابزاری است که سیاستمداران روس با تکیه بر آن میتوانند اولاً افکار عمومی را از مسایل اصلی جامعه روسیه منحرف ساخته، ثانیاً رقبای سیاسی خود را از صحنه خارج نمایند. پیروزی دوباره یلچین در انتخابات ریاست جمهوری و روی کار آمدن فرد کاملاً ناشناخته ای مانند پوتین را میتوان نتیجه استفاده ابزاری از این جنگ دانست.

## روند جنگ

جنگ اول روسها بر علیه چچن ها حدود ۲۰ ماه دوام میاورد. ۱۵ دسامبر ۱۹۹۴ روسها طی اولتیماتومی از نیروهای چچن میخواهند که در عرض ۴۸ ساعت سلاحهای خود را تسلیم نمایند. این امر مورد قبول چچن ها قرار نمیگیرد. طی نبرد چند هفته ای نیروهای روسی موفق به تسخیر شهر گروزنی میشوند.

در سال ۱۹۹۵ حدود هشتاد تن از مبارزان چچن برهبری **شامیل باسایف** بیش از ۲۰۰۰ تن از مردم Budjonnovsk را به گروگان گرفته و خواستار خروج نیروهای روسی از چچنستان میشوند. در نتیجه مذاکراتی که بین باسایف و چرنومردین انجام میگردد، طرفین با اعلام آتش بس موافقت نموده و گروگانها آزاد میگردند.

نوامبر ۱۹۹۵ Doku Savgajev از طرف مسکو ماموریت مییابد که انتخابات جدیدی را در چچنستان به اجرا بگذارد. این اقدام روسها منجر به لغو آتش بس از جانب چچن ها میگردد. ژانویه ۱۹۹۶ مبارزان چچن شهر Kislar را مورد حمله قرارداد و سه هزار و دویست نفر را به گروگان میگیرند. بعد از مذاکره با روسها و تضمین آنها که در صورت عقب نشینی، نیروهای چچن مورد حمله قرار نخواهند گرفت، اکثریت این گروگانها آزاد میشوند. چچن ها به همراه ۱۵۰ تن از گروگانها شروع به عقب نشینی میکنند. ولی نزدیکی روستای Prvomaiskoj روسها برخلاف تضمینی که داده بودند، این گروه را مورد حمله قرار دادند که در نتیجه آن ۱۹۲ تن کشته و تعداد دیگری زخمی میشوند.

۳۱ مارس سال ۱۹۹۶ یلچین مجبور به اعلام آتش بس جدیدی گردیده و موافقت خود را با آغاز مذاکرات اعلام میدارد. ۲۲ آوریل ۱۹۹۶ دودایف رهبر مقاومت چچن در جریان حمله هوایی روسها کشته شده و Selimchan Janderbejev به جانشینی وی انتخاب میگردد.

۶ آگوست سال ۱۹۹۶ استقلال طلبان چچن نیروهای روسی را در گروزنی مورد حمله قرار داده و موفق به بیرون راندن آنها از این شهر میشوند. جنگ اول روسها بر علیه جمهوری چچن با شکست افتضاح آمیز نیروهای روسی به پایان میرسد. ژنرال Lebed از طرف روسها و مسخدف از طرف چچن ها قرارداد صلح را امضا میکنند. طبق این قرارداد نیروهای روسی موظف به ترک چچنستان میشوند. تصمیم گیری در مورد استقلال این جمهوری به پنج سال آینده موکول میشود.

بیان اولین جنگ روسها بر علیه مردم چچنستان حدود هشتاد هزار کشته و هزاران زخمی از طرف چچنها و ویرانی گسترده دهات و شهرهای آن و وضع اسفبار اقتصادی این جمهوری میباشد. علارغم این همه مشکلات، مردم چچن در تاریخ ۲۷ ژانویه ۱۹۹۷ بطور گسترده در انتخابات شرکت کرده و **اصلان مسخدوف** را به ریاست جمهوری خود انتخاب میکنند. (۲۷ نفر از اتحادیه اروپا این انتخابات را نظارت میکردند).

## حقوق بین الملل در خدمت توجیه این جنگ

اکثریت زمامداران روسی برای توجیه این جنگ، حق دفاع از تمامیت ارضی را مطرح میکنند. در مقابل چچن ها نیز **حق تعیین سرنوشت ملل** را بیان کرده و مبارزه خود بر علیه نیروهای روس را در جهت کسب این حق میدانند. موضع روسها از طرف اکثر کشورهای دنیا و خصوصاً اروپا و آمریکا نیز تایید میشود. در حالیکه همین کشورها در مورد

یوگسلاوی سابق حق تعیین سرنوشت ملل را مطرح کرده و از استقلال ملل بوسنی و کرووات دفاع میکنند، تنها انتقاد ناچیز این کشورها از روسیه نقض حقوق بشر توسط نیروهای نظامی روسی میباشد.

موضوع دیگری که روسها بر آن تأکید میکنند آن است که قانون اساسی فدراسیون روسیه حق خروج از این فدراسیون را برسمیت نمیشناسد. در این مورد باید یادآور شویم که قانون اساسی روسیه در دسامبر ۱۹۹۳ بتصویب رسیده درحالیکه چچن ها استقلال خود را در سال ۱۹۹۱ اعلام کرده بودند. علاوه بر این همچنانکه میدانیم حکومت روسیه تزاری چچنستان را نه بدلخواه خود، بلکه به وسیله جنگی طولانی به تصرف خود در آورده است.

#### منابع

Der Kaukasus- Günter Lerch  
Sturm über Tschetschenien- Henrik Bischof  
Politisches Lexikon GUS  
Krieg in Dagestan- Uwe Halbach